

**Received:** 2024/5/1

**Accepted:** 2024/6/1

from 107 to 125

**Davoud Raisi Khairabadi**

PhD student at University  
of Mazandaran, Babolsar,  
Mazandaran, Iran.  
d.raesi@gmail.com

**Mohammad sharifi**

Associate professor, Faculty  
of Theology, Department of  
Qur'an and Hadith Sciences,  
Yazd University, yazd, Iran.  
(Corresponding Author)  
m.sharifi@yazd.ac.ir

**Mohammad Mehdi**

**Shahmoradi Fereydouni**

Assistant Professor, Department  
of Quran and Hadith Sciences,  
University of Mazandaran,  
Babolsar, Mazandaran, Iran.  
mm.shahmoradii@umz.ac.ir

**Keywords:**

Gradual revelation, order of  
revelation, stories of the Quran,  
social components.

## Areas of Influence of Quranic Stories on Social Change with a Social Behaviorist Approach

### Abstract

Based on the theory of social behaviorism, Qur'anic stories play a significant role in changing behavior and transforming society. Additionally, referencing historical accounts of predecessors can provide a foundation for understanding the growth objectives during different periods of revelation. This research categorizes the periods of Qur'anic revelation into five phases: hidden growth, establishment of religion, public presence of Muslims, formation and development of Islamic society, and consolidation of religion. Using descriptive-analytical methods, this study examines the Qur'anic stories as influential factors in the gradual transformation of society during the period of revelation. In the first period, the verses focus on encouraging the Prophet (PBUH) and reiterating the denial of previous prophets. The second period is marked by the prominence of Qur'anic stories, which, according to verse 29 of Surah Fatah, play a complementary and supportive role in strengthening the religion. In the third period, as the Prophet (PBUH) begins to publicly engage with a predominantly polytheistic society, we observe God's special support in establishing the authority of the prophets. During the fourth period, storytelling is employed to clarify the branches of religion and motivate Muslims towards jihad. Finally, in the fifth period, efforts are made to prepare society for the post-mission era and to prevent deviations through the use of stories.

## زمینه‌های اثرگذاری قصه‌های قرآنی در تحول اجتماعی با رویکرد رفتارگرایی اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۲  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۲  
از صفحه ۱۰۷ تا صفحه ۱۲۵

### چکیده

بر مبنای نظریه رفتارگرایی اجتماعی، قصه‌های قرآنی در تغییر رفتار و تحول جامعه مؤثر بوده و تلمیح به گزارش‌های تاریخی سلف می‌تواند زمینه تأمین هدف رشدی دوره‌های مختلف نزول را تأمین کند. در این جستار دوره‌های نزول قرآن به پنج دوره رشد پنهانی، استقرار دین، حضور علنی مسلمین، تشکیل و توسعه جامعه اسلامی و دوره تثبیت دین تقسیم‌بندی شده و با روش توصیفی-تحلیلی، قصص قرآن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در تحول تدریجی اجتماع عصر نزول مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌نظر می‌رسد موضوع این آیات در دوره اول در راستای دلگرمی پیامبر<sup>(ص)</sup> و بیان تکراری بودن تکذیب انبیاء در مکاتب گذشته می‌باشد. دوره دوم نزول قرآن بیشترین نمود قصص قرآنی است که این مؤلفه با استناد به تقسیم‌بندی آیه ۲۹ سوره فتح نقش موازرتی و معاضدتی در راستای هدف استحکام دین را داشته است. در دوره سوم با شروع حضور علنی پیامبر<sup>(ص)</sup> در جامعه اکثراً مشرک، شاهد نگاه ویژه حمایتی خداوند در راستای اقتدار آفرینی انبیاء هستیم. در دوره چهارم از عنصر داستان در تبیین بهتر فروع دین و تشویق مسلمین به جهاد استفاده شده و نهایتاً در دوره پنجم سعی در آماده‌سازی جامعه برای دوران پس از رسالت و جلوگیری از انحراف در قالب داستان شده است.

### داود رئیسی خیرآبادی

دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه  
مازندران، بابلسر، مازندران، ایران.  
d.raesi@gmail.com

### محمد شریفی

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث  
دانشگاه یزد، یزد، ایران و مدرس  
دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)  
m.sharifi@yazd.ac.ir

### محمد مهدی شاهمرادی فریدونی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث  
دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران،  
ایران.  
mm.shahmoradi@umz.ac.ir

### واژگان کلیدی:

نزول تدریجی، ترتیب نزول، قصص قرآن، مؤلفه‌های اجتماعی.

در آیه ۲۹ سوره فتح، از عبارت تمثیلی «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» استفاده شده است. این تشبیه می‌تواند مراحل رشد اجتماعی مسلمانان از تشکیل یک هسته مذهبی تا شکوفایی یک جامعه مستقل و مدنی را با محور قرار دادن نزول تدریجی قرآن نشان دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۹۲). طی این مبنا پنج مرحله برای به ثمر رسیدن و اکمال دین ترسیم می‌شود: ۱) عبارت «أَخْرَجَ شَطْأَهُ»، اشاره به رشد پنهان و زیرزمینی مسلمین طی نزول سی و هشت سوره ابتدائی نزول قرآن دارد (۲) در مرحله بعد، عبارت «فَآزَرَهُ» گویای این است که با نزول سوره‌های اعراف تا یوسف، دین پس از طی یک دوره حضور پنهانی در خاک مکه پنجه زده و مستقر می‌شود. ۳) فصل بعدی با کاربرد عبارت «فاستغلظ»، با شروع دعوت علنی رسالت تلاقی دارد. در این مرحله، «گیاه دین» سر از خاک بیرون آورده و از چند طرف برگ‌های آن قابل مشاهده است و ساقه‌زنی خود را با ایجاد کانون‌های اجتماعی که در حکم گره‌های این ساقه هستند، شروع کرده تا راست قامت شده و رو به آسمان اوج گیرد و از خم شدن و افتادن مصون باشد. این مرحله با نزول سوره حجر شروع شده و تا آخرین سوره‌های دوره مکی (مطففین) ادامه می‌یابد. ۴) در مرحله چهارم رشد و پیشرفت دین با شروع هجرت مسلمانان و با نزول هشتاد و هشت سوره قرآن، شاهد گونه دیگری از فضا سازی ایمانی هستیم. این دوره با عبارت «فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ» به گیاهی تمثیل شده که شکل و نماد ممیزه یک گیاه از سایر موجودات و گیاهان به خود گرفته و همین باعث شده در دسترس و چشم آفات پیرامون خود بیشتر قرار گیرد که هم باید قوانین و احکامی را برای تنظیم روابط خود تقنین کند و هم برای مقابله با دشمنان عرض اندام کند. ۵) در آخرین مرحله، دوران باروری و استقلال فرهنگی مسلمانان، با نزول دو سوره مائده و توبه و در راستای تحقق «لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» فراوانی و تظاهر و اتفاق و اتحادشان بر طاعت خدا موجب خشم کافران را نمایش می‌دهد (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۹۲؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ق، ج ۱۸، ص ۳۰۰).

بخشی از آیات و مضامین پنجاه و نه سوره از قرآن کریم، در بردارنده روایت پیشینیان و سرگذشت امت‌های گذشته است. مسلم است که هر بخش از این آیات با توجه به سیاق پیرامونی آن به موضوعی خاص و مربوط به پیامبر و یا امتی از امت‌های گذشته اختصاص دارد. اما سؤال اینجا است که اولاً نقش این یادآوری‌های قرآن در نوع آیات اجتماعی و تعاملات پیامبراکرم<sup>(ص)</sup> با موافقین و مخالفین خود چه بوده است؟ و آیا توانسته در ارسال مفاهیم وحیانی به جامعه عصر نزول کمک کند؟ و ثانیاً آیا روند نزول تدریجی قرآن و تغییر محتوا و مضامین هر سوره و هر دوره نزول، تغییری در محتوا و سیر نزول قصص قرآن و فراوانی کمی آیات داشته است؟

با بررسی نگارش‌های قرآنی، تاکنون اثری به صورت مستقیم تمامی قصص قرآنی را با رویکرد نزول تدریجی قرآن مورد توجه قرار نداده است و فقط دو اثر، تلفیقی از موضوع داستانی حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> و نزول تدریجی نگاشته‌اند: الف) «غرض‌شناسی تطبیقی داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> در سوره‌های مکی همگام با نزول» (چهری و اقبالی، ۱۴۰۱، ش، ص ۲۱۵-۱۸۵) که نویسنده آن با رویکرد

تنزیلی به بررسی ارتباط میان غرض سوره‌های مکی و داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> با شرایط پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و مؤمنین پرداخته و به ارتباط میان داستان‌های قرآن با غرض سوره در راستای جلوه‌های هدایتگری قرآن دست یافته است.

(ب) «تناسب آیه امامت حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> در سوره بقره با فضای نزول سوره» (بیات و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹-۱۳۲)؛ نگارنده ضمن تاریخ‌گذاری سوره بقره با نگاه به آیه ۱۲۳ سوره بقره پایه‌گذاری اسلام را به حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> منسوب دانسته است.

پژوهش پیش رو، با مقایسه آماری و فراوانی آن در دوره‌های مختلف نزول سعی در کشف و استخراج نظم حضور تدریجی داستان‌های قرآن در سطوح مختلف و تأثیر تحول آن در نوع تغییرات مضمونی قرآن دارد.

## ۲- مولفه‌های تاثیرگذار در سیر تحول تدریجی قرآن

بی‌شک نزول بیست و سه ساله قرآن بر قلب خاتم النبیین<sup>(ص)</sup>، به‌عنوان حلقه وصل آخرین دین الهی، جریان مستمری از تغییر و تحول در جامعه جاهلی را آغاز کرده و تداوم داد و توانست جامعه جاهلی آن عصر را تغییر دهد. در واقع برای رسیدن به یک نگاه خاص قرآنی به جامعه و معضلات اجتماعی و ارائه راه‌حل قرآنی بحث و گفتگو از تغییرات اجتماعی به‌عنوان اساسی‌ترین مسئله یا حداقل یکی از بنیادی‌ترین سؤالات جامعه‌شناسی می‌تواند راه‌گشا باشد (اخلاقی و الویری، ۱۴۰۰، ص ۴۹). براساس جدیدترین تقسیم‌بندی‌هایی که در مورد تحول و تغییرهای اجتماعی ازسوی جامعه‌شناسان معاصر مطرح شده نظریه‌های اجتماعی و نوع نگاه به تغییر اجتماعی ذیل سه انگاره کلی: واقعیت‌گرایی اجتماعی، تفسیرگرایی اجتماعی و رفتارگرایی اجتماعی قابل تقسیم هستند. براساس انگاره نخست تغییرات اجتماعی و ساختارهای آن را باید در خود نهادها و ساختارها جستجو کرد. اقتصاد و تضاد اجتماعی، فرهنگ و دین و دولت ساختارهایی هستند که ازسوی برخی از جامعه‌شناسان به‌عنوان زیربنا و عامل یا مؤلفه اصلی در باب تغییر اجتماعی معرفی شده‌اند. این نوع نگاه به جامعه و تغییرات آن به جامعه‌شناسی حوزه کلان یا ساختارگرا معروف است. تفسیرگرایان اجتماعی برآنند که هرگونه تحلیل در باب تغییر اجتماعی را باید در کنش افراد جستجو کرد. این‌گونه نیست که افراد در جامعه از خود اختیاری نداشته و همواره تحت تأثیر واقعیت‌های اجتماعی باشند. بلکه افراد تلاش می‌کنند تا واقعیت‌های اجتماعی را تفسیر کرده و براساس درک خود از واقعیت کنش انجام دهند. گرچه ایشان تأثیر واقعیت‌ها و ساختارهای اجتماعی بر افراد را انکار نمی‌کنند، با این حال معتقدند افراد قادرند ساختارها را باز تولید کرده و یا تغییر دهند. براساس انگاره سوم، انگیزه‌های روانی و تقویت‌کننده‌های مثبت و منفی که در پس رفتارهای آدمی وجود دارند، باید اساس مطالعات جامعه‌شناسی قرار بگیرند. رفتار گراها که روان‌شناسان اجتماعی هستند بر این باورند که آدمی براساس «انگیزه‌های روانی» رفتار می‌کند و اگر کاری در گذشته منفعتی برای او فراهم کرده، احتمال این‌که فرد در موقعیت مشابه دوباره همان رفتار را تکرار کند زیاد است. بنابراین برای فهم و تحلیل تغییر آتی که در سطح کلان جامعه رخ می‌دهد

باید به سراغ تحلیل رفتار آدمی رفت. با تحلیل رفتار آدمی و انگیزه‌هایی که در پس آن‌ها وجود دارد، می‌توان به سازوکار تغییر در نهادها و ساختارهای اجتماعی پی برد (رک: رویترز، ۱۳۷۴، ص ۶۳۵).

در این پژوهش آیات قرآن کریم به‌ترتیب نزول آن‌ها که در ابتدای مقاله بدان اشاره شد، مورد تدبیر قرار می‌گیرد و براساس انگاره سوم، گزیده‌ای از مضامین و مفاهیم داستان‌گونه که به‌عنوان عامل انگیزشی برای ارتباط‌گیری بهتر پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> با مردم معاصر نزول و ارتقای اصول اخلاقی، جهان‌بینی توحیدی و عمل به شرایع دینی و با اقتضای فرهنگ فکری آن عصر بوده، مورد توجه قرار می‌گیرد. در ابتدا شرح چند مفهوم مؤثر در تحول اجتماعی ضروری به‌نظر می‌رسد.

**الف) جهان‌بینی:** نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به‌شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً «جهان‌بینی» نامیده می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۵) جهان‌بینی اسلامی تأثیر عمیقی بر فرد و اجتماع دارد و می‌تواند در تربیت اقتصادی و سایر جنبه‌های زندگی افراد نقش داشته باشد (یزدانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲) چرا که بر اساس آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> شکل گرفته، نقش کلیدی در شکل‌دهی به نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی مسلمانان دارد. این جهان‌بینی بر اصولی چون توحید، عدالت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و اهمیت دادن به کرامت انسانی تأکید دارد.

**ب) مباحث اخلاقی:** در اسلام تکوین صفات روحی و ملکات عقلی اهمیت فراوانی دارد اخلاق هم جنبه فردی دارد و به فرد مربوط است و هم جنبه اجتماعی دارد. اخلاق فردی در راستای مالکیت نفس و تقویت بُعد روحانی و کمال خود در جهت احراز نقش مثبت در تدوین جامعه و ارتباط‌گیری بهتر با دیگران به‌عنوان جزئی از جامعه است و اخلاق اجتماعی یعنی بهترین نوع کاری که انسان باید در مقابل افراد اجتماع انجام دهد و مصلحت اجتماع در آن است و اگر غیر از این باشد، اجتماع راه کمال را طی نمی‌کند.

**ج) احکام و قوانین:** رکن اساسی در اجتماعات بشری اخلاق و قانون است. این مسئله در محتوای آیات قرآن غافل مانده و قرآن کریم هم نقش پشتوانه و ضمانت اجرای آن را دارد و هم این که به‌عنوان یکی از منابع استنباط باید و نبایدهای دین به آن استناد می‌شود. یکی از نکات مهم این است که آیا شرایط و مقتضیات عصری و زمانی در نوع بیان این قوانین بی‌تأثیر نبوده و آیا ابلاغ این قوانین از نظر کمی و محتوایی در طول عصر نزول روند ثابتی داشته است یا خیر؟

**د) مفاهیم اقتصادی:** بر اساس آیات قرآن، مسائل اقتصادی با قوام جامعه ارتباط تنگاتنگی دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۳۲۵). در روایتی از حضرت علی<sup>(ع)</sup> یکی از اسباب تغییر حکومت و انقلاب‌ها، عدم تلاش اقتصادی برای بهبود زندگی مردم معرفی شده است: «مَنْ لَمْ يَحْتَمِلْ مَوْتَةَ النَّاسِ فَقَدْ أَهَلَ قُودْرَتَهُ لانتقالها» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۳).

**ه) توصیه‌های عملی:** در مکتب اسلام در کنار ایمان و اعتقاد قلبی، توجه به عمل صالح و دوری از ناهنجاری‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند که با هدف برقراری ارتباط با خداوند، تقویت ایمان و انجام وظایف دینی صورت می‌گیرد. مقصود از عمل صالح ایمان خاص است که با بیعت ولوی و قبول

دعوت باطنی و دخول ایمان در قلب و توابع آن از قبیل اعمال قلبی که متبّع اعمال قالبی است، حاصل می‌شود (علی شاه، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۱۲۹).

(و) **انگیزه‌های روانی:** تاکید بر اصل آخرت‌گرایی و انذار و تبشیر مردم از نخستین وظایف و مأموریت‌های پیامبران است که از یک‌سو مردم را در صورت اطاعت از دستورهای خداوند به بهشت مژده می‌دادند و از سوی دیگر آنها را در صورت نافرمانی، از جهنم و عذاب الهی می‌ترسانیدند و این دو وظیفه در کنار هم انجام می‌گرفت تا هم از راه تشویق و هم از راه تنبیه، مردم هدایت شوند و تکالیف الهی را انجام دهند.

(ز) **روایت پیشینیان:** از جمله شعب فرهنگ و معارف قرآن «قصص» این کتاب کریم است که به‌وسیله نقل قسمتی از تاریخ پیغمبران سلف و امتهای پیشین، تعریفات و اشتباه‌کاری‌های کتب عهد قدیم و جدید را تصحیح و اصلاح فرموده، و چون طبع انسان به مقتضای «وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ» (اعراف: ۷۹) از امر و نهی صریح روگردان است، لذا مانند طیبی حاذق و مشفق که داروی تلخ را به صورت قرص‌ها درآورد و لعابی شیرین بر روی آن کشد، حقایق حیات و مسائل اساسی سعادت را زیر لعاب‌های شیرین قصص تاریخی قرار داده، و در طی «حدیث دیگران» راه سعادت و شقاء را بر پویندگان آشکار و عیان ساخته، تا آئین هدایت و اتمام حجت عملی شود و به وسیله مطالعه قصص تاریخی قرآن - به‌طوری‌که خود شخص متوجه نباشد - تدریجاً در هوش نهان و عقل باطن او نفوذ کند، و در طول زمان، وجدانی الهی و ضمیری روشن به‌وجود آید. و این همان اسلوب دقیق و روش حساس است که در دنیای کنونی مورد توجه و عنایت و اقتباس دانشمندان روانشناس قرار گرفته، و با توجه به این روش، منظور و فلسفه و فکر و نظر خود را در طی قصص، به دل و دماغ خوانندگان نفوذ می‌دهند. با این فرق که مواد داستان‌های ایشان غالباً مجعول و دروغ است، ولی قصص قرآن همه از واقعیات تاریخ و از صمیم حقایق سرگذشت‌های اقوام بشری اتخاذ شده است (بلاغی، ۱۳۸۱، ص ۱۴) امتیاز قصص قرآن، در هدف‌های عالی و مقاصد شریف تربیتی است که در آن درج شده، به‌طوری‌که خواننده این قصص، از تهذیب نفس و جمال روح و روشنی ضمیر و دقت احساس و رقت وجدان و حکمت و ادب بهره‌مند می‌شوند.

### ۳- مقایسه آماری مولفه‌های تاثیرگذار بر تحول اجتماعی

بدون تردید یکی از پیامدهای نزول وحی افزایش دانایی مخاطبان وحی، از گذشته بشری بوده است. درک تفاوت آماری مولفه‌های مختلف و برنامه و طرح زمان‌مند وحی و مقایسه دوره‌ها و لحاظ تناسب آن با رشد جامعه عصر نزول و استفاده متناسب از عامل انگیزشی و تفهیمی قصص قرآنی در ترسیم الگوی تحول مدیریت رفتار قرآن با مردم و مسئولان جامعه دینی، کمک فراوانی خواهد کرد.

خلاصه آماری این مؤلفه‌های تاثیرگذار در تحول اجتماعی براساس نوع فراوانی و فراز و فرودهایی که با توجه به تفاوت دو محیط مکی و مدنی و نیز پنج دوره رشد اجتماعی که در ابتدای نگارش از آن سخن به میان آمد، به شرح ذیل می‌باشد. در این جدول، درصد فراوانی هر موضوع در هر دوره

با توجه به تعداد آیات هر دوره و نسبت آن به کل آیات آن دوره سنجش شده است. در پژوهش پیش رو فراز و فرود روایت پیشینیان و نوع تأثیر آن در هر دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

درصد فراوانی موضوع مولفه‌های اجتماعی مؤثر							مجموع آیات	تعداد سوره	دوره
روایت پیشینیان	انگیزه‌های روانی	توصیه‌های عملی	مفاهیم اقتصادی	احکام و قوانین	مفاهیم اخلاقی	جهانبینی			
۱۰,۸	۲۳,۵	۴,۲	۲,۴	۲,۴	۱۱	۳۳,۴	۸۲۷	۳۸	اول
۴۸,۲	۱۸,۱	۴,۹	۲	۲,۱	۶,۳	۱۳,۴	۱۶۳۰	۱۵	دوم
۲۲,۹	۲۹,۲	۹,۲	۳,۷	۲,۱	۶,۸	۲۱,۶	۲۱۵۵	۳۳	سوم
۱۱,۹	۳۰,۴	۲۱,۸	۱۰	۱۵,۹	۲۱,۳	۳۳,۳	۱۳۷۴	۲۶	چهارم
۱۶,۱	۳۶,۹	۲۹,۷	۲۲,۵	۳۵,۳	۳۴,۵	۳۹,۴	۲۴۹	۲	پنجم
۲۲	۲۷,۶	۱۴	۸,۱	۱۱,۶	۱۶	۲۸,۲	متوسط درصد فراوانی در هر دوره		

#### ۴- قرآن و گزارش پیشینیان

بهترین راه برای ردیابی داده‌های تاریخی، مطالعه دقیق قرآن و استخراج آیات داستان‌گونه است. طی بازخوانی آیات قرآن که انجام شد، مشخص شد در ۶۹۷ آیه از ۵۹ سوره قرآن، معادل حدود ده درصد کل قرآن مربوط به داستان‌ها و اخباری است که از امت‌های گذشته سخن گفته است.

با مطالعه اوضاع فرهنگی، اجتماعی جامعه ابتدایی عصر نزول قرآن و معضلاتی نظیر نظام قبیله‌ای و زندگی بدوی آنان، و رسوخ خرافات و افسانه‌ها به ادبیات آن عصر می‌توان گفت مخاطبان قرآن تصور روشنی از گذشته خود و ترتیب حوادث و فواصل زمانی آنها نداشتند و هیچ تلاشی برای ترتیب و سازمان‌دهی گزارش گذشته خود نداشتند (هود: ۴۹). افزون بر این که ارتباطات تجاری قریش در منطقه و روابط فرهنگی آنها با اهل کتاب منجر به نشر اسرائیلیات و انتقال محدود اخبار کم‌اعتبار تاریخی انجامیده است (قصص: ۴۴-۴۶).

در راستای اصلاح اطلاعات و داده‌های مربوط به پیشینیان، بخش مهمی از آیات قرآن کریم به گزارش سرگذشت پیشینیان اختصاص دارد تا حقایق تاریخی گذشته را برای مردم مشهود کند و بیشتر به آن بخش از سرگذشت‌ها و زندگی اقوام و امت‌ها و انبیای پیشین اشاره نموده است که

مشمتمل بر جنبه‌های تربیتی و اخلاقی هستند؛ برخلاف عهدین که امور کم‌اهمیت و جزئی را نیز مانند تاریخ حوادث، نام و نشان‌های اشخاص، اماکن و ... به تفصیل یادآور شده‌اند (دیاری، ۱۳۷۹، ص ۳۶). این اطلاعات در علوم قرآنی به «قصص قرآنی» مشهور است. واژه «قصص» که معمولاً به صورت جمع به کار رفته به مفهوم حکایت‌هاست؛ همچنین از این مصدر افعالی برای حکایت کردن مشتق شده‌اند (یوسف: ۵)؛ خواه برای بیان سرگذشت رسولان و قریه‌ها، (اعراف: ۱۰۱) و خواه برای بیان آیات الهی (اعراف: ۳۵).

غرض عمده از حکایات و قصص قرآنی طبق آیه کریمه ۱۷۶ سوره اعراف و آیه ۳ سوره یوسف، اندرز و نصیحت، طریق عبادات و برای تنبّه و تفکر و رفع غفلت و گرفتن عبرت از ماجرای زندگی و تاریخ انبیاء سلف و اقوام گذشته است که خداوند متعال تذکر آنها را بر پیامبر خود و مسلمانان لازم دانسته و به بیان آنها گاهی به اجمال و گاه دیگر به تفصیل وحی کرده است، و لذا مفسر قرآن حکیم باید در تواریخ انبیاء سلف و اقوام و ملل گذشته، احاطه کافی داشته باشد، تا در صورت اجمال آن در قرآن، به تفصیل پردازد و در مورد لزوم از تفصیل به اجمال گراید (امین، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۲۱؛ رضانژاد، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۶).

#### ۵- روایت پیشینیان در مرحله اول رسالت (رشد پنهانی مسلمانان)

همان‌طور که گفته شد این دوره، اشاره به رشد پنهان و زیرزمینی مسلمین طی نزول سی و هشت سوره ابتدائی نزول قرآن دارد که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به دور از هیاهوی جامعه و با عنایت به کارشکنی معاندین، نبوت خود را ابلاغ و مأموریت غیرعلنی خود را شروع کردند. با کنار هم قرار دادن آیات قرآن براساس ترتیب نزول چنین به دست می‌آید که قرآن در این دوره به صورت کلی و گذرا به داستان‌هایی از قوم عاد (فجر: ۱۳-۶؛ نجم: ۵۴-۵۰؛ ق: ۱۴-۱۲؛ ص: ۲۶-۱۷)، لوط (نجم: ۵۴-۵۰؛ ق: ۱۴-۱۲؛ ص: ۱۴-۱۲؛ قمر: ۳۹-۲۳)، ثمود (فجر: ۱۳-۶؛ نجم: ۵۴-۵۰؛ بروج: ۱۸-۱۷؛ ق: ۱۴-۱۲؛ ص: ۲۶-۱۷؛ شمس: ۱۴-۱۱؛ قمر: ۳۱-۲۱)، نوح (نجم: ۵۴-۵۰؛ ص: ۲۶-۱۷)، اصحاب ایکه و تبّع (ق: ۱۴-۱۲)، فرعون (مزمّل: ۱۶-۱۵؛ قمر: ۵۳-۴۱) و اصحاب فیل و اصحاب باغ سوخته (قلم: ۳۲-۱۷) اشاره داشته است.

#### ۱-۵- در این داستان‌ها نکات قابل توجهی وجود دارد

۱. در عمده داستان‌ها بدون اشاره به شخص پیامبر آن زمان، سخن از کبر و تکذیب رسل توسط اقوام گذشتگان مطرح می‌شود و در برخی از آنها توبه و ندامت آن‌ها عامل نجاتشان شده است.
۲. ذکر داستان داوود و سلیمان<sup>(ع)</sup> در سوره‌های انتهایی این دوره و یادآوری قدرت، شجاعت و خلیفه الهی داوود<sup>(ع)</sup> و فرمان‌روایی سلیمان<sup>(ع)</sup> و همچنین دوران آسانی زندگی ایوب<sup>(ع)</sup>، مقدمه‌ای است برای این‌که از طرفی در پایان دوره رسالت پنهانی به حضرت محمد<sup>(ص)</sup> برای ادامه راه امیدواری دهد و از طرفی پذیرش حقانیت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> برای مردم عصر نزول سهل و آسان شود.
۳. ویژگی دیگر داده‌های تاریخی این مرحله آن است که بر اساس آنچه امروز از این اقوام دانسته شده، عمدتاً بنی‌اسرائیلی نیستند و بسیاری از آنها را به عرب نسبت می‌دهند (ابن سلام،

۱۴۱۰ ق، ص ۳۴۴؛ ابن حزم، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۶۲). شاید بتوان گفت دلیل تأکید بر اصحاب باغ سوخته و سایر اقوام شناخته شده در این مرحله به دلیل نوع اطلاعات بدوی مردم آن زمان که هنوز با ادبیات یهود و سرگذشت روایات تورات و انجیل آشنا نشده‌اند، نزدیکی جغرافیایی سکونت‌گاه‌های این اقوام به حجاز است، زیرا می‌دانیم ثمودیان در منطقه حجر در شمال حجاز (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۷؛ مسعودی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۵۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۲) و قوم ثُبَع در یمن می‌زیستند (دینوری، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۶؛ مقدسی، ۱۹۰۳ م. ج ۳، ص ۲۹؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۵۶۶). درباره قوم عاد نیز دیدگاه‌ها متفاوت است؛ برخی به سکونت آنان در جنوب شبه‌جزیره و برخی در شمال حجاز باور دارند (دینوری، ۱۴۱۲ ق، ص ۷؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۳؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۰۴).

۴. هرچند یک سوم مسائل این دوره به جهان‌بینی توحیدی اختصاص دارد، ولی در موضوعی مثل داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup>، برای معرفی چهره توحیدی ایشان مستقیماً سراغ مباحث اعتقادی و خداشناسی نرفته و با چینش مقدماتی در ابتدا ذهن مخاطب را به ابراهیم<sup>(ع)</sup> متذکر ساخته و بعداً براهین و استدلال‌های توحیدی ایشان را معرفی می‌کند و با ارائه دورتمایی از شخصیت توحیدی ابراهیم<sup>(ع)</sup> سعی می‌شود جامعه جاهل و مشرک مکه را در ابتدای نزول قرآن متوجه مدلی مشابه شخصیت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نموده تا پذیرش او در آن جامعه با مشاهده نمونه تاریخی آسان‌تر باشد.

#### ۶- روایت پیشینیان در مرحله دوم رسالت (مرحله استقرار دین)

گفته شد که در دوره دوم، گیاه نوکاشته اسلام نیازمند وزارت و همیاری شده تا از آسیب و سرزنش آفت‌های پیرامونی خود ناامید و دل‌نگران نباشد. با شروع این دوره یعنی از سوره اعراف جامعه اقلی اسلامی به‌عنوان قطب جدید جامعه مکی مطرح شده و این گروه اندک با باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی مناسب در این محیط آشنا می‌شوند (رک: بهجت‌پور، ۱۳۹۴ ش، ص ۳۸۷). در همین برهه است که با این شرایط، جامعه مسلمین به نیرو بخشی و تواناسازی توجه کرده است که در فضایی که کافران به‌شدت قوی و قدرتمند به نظر می‌رسیدند و با هرگونه رفتار موحدانه در ستیز بودند رشد کنند.

این دوره شامل ۱۵ سوره از سوره اعراف تا یوسف می‌شود که در ۷۸۵ آیه از مجموع ۱۲ سوره آن، داستان‌های قرآن آمده است. عمده این روایت‌ها به تاریخ بنی‌اسرائیل و انبیای آن مربوط می‌شود. برخلاف حکایت‌های شناخته شده مرحله اول که عمدتاً موضوعاتی محلی بودند و بیشتر به غرب شبه جزیره عربستان ارتباط می‌یافتند، از سوره «ص» به بعد، دایره موضوعات فراتر رفته تا انبیای بنی‌اسرائیل را نیز دربرگیرد و به تفصیل از توانایی انبیا سخن می‌رود؛ اما برخلاف روایت‌های مرحله قبل، این روایات بر پیامبران، بعثت آنها، گفت‌وگوی آن‌ها با خداوند و مردم متمرکز است. اگر از نگاه آماری به مؤلفه‌های تأثیرگذار بنگریم، متوجه می‌شویم که درصد فراوانی قصص قرآنی با رقم ۴۸ درصد، جایگاه متفاوتی نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارد. همچنین نسبت حضور این مؤلفه در این دوره نسبت به سایر دوره‌ها بسیار چشمگیرتر است. از این آمار شاید بتوان گفت آن‌چه در راستای بخش دوم تمثیل آیه ۲۹ سوره فتح «فَاَزْرَهُ» نقش وزارتی و معاضدتی داشته،

موضوع داستان‌ها و روایات پیشینیان است که باید بیشتر نکات آن و دلیل توجه آن در این دوره واکاوی شود:

۱. گفته شد که دوره اول، جهان‌بینی توحیدی نقش متمایزی در آیات قرآن داشته است. در دوره دوم برای تأکید بر این موضوع قرآن کریم از عنصر داستان پیامبران پیشین بهره برده است. دعوت به تقوا و عبودیت از زبان سایر صالحین و پیامبران گذشته، تأییدی است بر این که مردم عصر نزول بدانند پیش از آنان نیز توجه به عبودیت از سوی پیشوایان دینی مطرح بوده است. گوشه‌ای از این موارد عبارت است از:

**الف:** در این دوره عبارت «یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ» و دعوت به عبودیت هفت بار از زبان نوح (اعراف: ۵۹)، هود (اعراف: ۶۵؛ هود: ۵۰)، صالح (اعراف: ۷۳؛ هود: ۶۱)، شعیب (اعراف: ۸۵؛ هود: ۸۴) مطرح شده است.

**ب:** سابقه دعوت به یکتاپرستی از سوی مؤمن آل بس «وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس: ۲۴) و در داستان موسی<sup>(ع)</sup> «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي» (طه: ۱۴) گفته شده است.

**ج:** تکرار هشت‌باره عبارت «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ» (شعراء: ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۷۹) از زبان نوح، هود، لوط، صالح، شعیب<sup>(ع)</sup> و عنایت به پادش الهی در ازای این دعوت در پس این آیات «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» بر نقش تشویقی و انگیزشی این دعوت مؤثر است.

**د:** در اولین سوره این دوره به صورت گذرا پس از بیان داستان آدم<sup>(ع)</sup> و اخراج او از بهشت به او یادآور می‌شود پوشش لباس تقوی و پرهیزگاری ارزش بیشتری در عفاف و پوشش دارد (اعراف: ۲۶).  
۲. در این دوره نقش موازرت و لزوم همیاری دیگران برای استقرار دین، در داستان سایر پیامبران و صالحان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. و به‌گونه‌ای لزوم همیازگزی و کار گروهی امر رسالت را به‌عنوان یک عامل انگیزشی و تقویتی تأکید دارد. این موازرت را می‌توان در مواردی دسته‌بندی کرد:

**الف:** هارون در کنار تورات نقش رسالت موسی<sup>(ع)</sup> را تکمیل می‌کند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا» (فرقان: ۳۵). و این موهبتی است از جانب خداوند برای موسی<sup>(ع)</sup> «وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا» (مریم: ۵۳).

**ب:** در داستان اصحاب قریه (انطاکیه) شخص سومی (مؤمن آل فرعون) در نقش تقویتی دو پیامبر آن قوم ارسال می‌شود: «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ» (یس: ۱۴).

**ج:** برخورداری حضرت موسی<sup>(ع)</sup> از دو موهبت «قدرت» و «امانت»: «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيَ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶) به‌عنوان عاملی مهم در شایستگی او برای همیاری و معاضدت حضرت شعیب<sup>(ع)</sup> (قصص: ۲۸-۲۳) معرفی می‌شود.

**د:** حضرت زکریا<sup>(ع)</sup> به تولد یحیی<sup>(ع)</sup> در نقش ولی «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ

أَمْرَاتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» بشارت داده می‌شود (مریم: ۷-۲).

۵: حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> در اتفاقی مبارک با اوصاف «آیه»، «رحمت» و «عبدالله» به حضرت مریم<sup>(ص)</sup> موهبت می‌شود (مریم: ۱۶-۳۴).

و: پس از اعتزال و کناره‌گیری ابراهیم<sup>(ع)</sup> از آزر، مشرکین و معبودان دروغین آنان، به اسحاق و یعقوب<sup>(ع)</sup> که به نام نیک و مقام برجسته‌ای موهبت شده بودند، بشارت داده می‌شود.

۳: اشاره به قدرت برتری و عامل نجات‌بخشی پیامبران و صالحان در کنار معجزاتی که از ایشان ذکر می‌شود، از دیگر مواردی است که در این دوره در راستاری همیاری و معاضدت انگیزشی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> مورد توجه قرار می‌گیرد. تمهید کشتی نوح<sup>(ع)</sup> و نجات او از چنگال دشمنان و تکرار پنج موردی این موضوع در این مرحله (اعراف: ۶۴؛ یس: ۴۱؛ شعراء: ۱۱۹؛ یونس: ۷۳ و هود: ۳۸-۳۷)، عنایت شرح صدر به موسی (طه: ۱۲۵) قدرت سخن‌گویی سلیمان<sup>(ع)</sup> با پرندگان و همیاری جن و انس با او (نمل: ۱۶ و ۱۷) و نیز وعده استقرار مستضعفین بر روی زمین (قصص: ۵) از این نمونه هستند.

۴: داستان حضرت یوسف<sup>(ع)</sup> در انتهای این دوره و ماجرای از فرش به عرش نشاندن او و شرح اتفاقات سهل و دشواری که در این دوره برای او می‌افتد، نقش بسزایی در موازرت پیامبر<sup>(ص)</sup> و آمادگی او برای شروع دوره علنی رسالت است. در این دوره با بیان اوصافی برای یوسف<sup>(ع)</sup> نظیر علم، حکمت، حفاظت و مکنت (یوسف: ۲۲، ۵۵، ۵۶) فلسفه بیان قصص پیشوایان و گذشتگان را مایه عبرت، رحمت و هدایت مؤمنین برمی‌شمرد (یوسف: ۱۱۱).

## ۷- روایت پیشینیان در مرحله سوم رسالت (دوره حضور علنی مسلمین عصر نزول)

در مرحله سوم نزول قرآن، مسلمین جرأت و فرصت حضور علنی یافته‌اند و کم‌کم وجهه حضور جمعی و گروهی آنان هویدا شده و جامعه مسلمین چهره تازه‌ای می‌گیرد و خطوط قرمز مسلمانان مکه از اکثریت مشرک مکی پررنگ می‌شود. در این دوره در ۲۲ سوره از مجموع ۳۳ سوره قرآن با درصد فراوانی ۳۰ درصد داستان‌های قرآنی وجود دارد. مسیر این آیات براساس تمثیل آیه ۲۹ سوره فتح در راستای «استغلاظ» و تقویت اسلام پایه‌ریزی شده است. پس از سوره یوسف، سبک و سیاق داده‌های تاریخی متفاوت می‌گردد و این امر تا آخرین سوره مکی همچنان ادامه یافته است. به لحاظ محتوایی با توجه به گسترش مخاطبین، باید گفت در این مرحله سعی شده با تکرار گفته‌های سابق، داده‌های تاریخی پیشین با بسط بیشتری و با نگاهی جامع، برای گروه جدیدتری بیان شود.

در این دوره با شروع حضور علنی پیامبر<sup>(ص)</sup> در جامعه‌ای که هنوز اکثریت آن را مشرکین تشکیل می‌دهند، شاهد نگاه ویژه حمایتی خداوند در راستای اقتدارآفرینی انبیاء هستیم که به گوشه‌ای از این موارد اشاره می‌شود:

۱. در بخشی از آیات سوره صافات (صافات: ۱۴۸-۷۵) سلام، تقدیس و گفتگوی خدا با انبیایی چون نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، لوط و یونس و پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> بیان می‌شود. نکته دیگری که در

این قسمت دیده می‌شود، این است که با تصریح اینکه ابراهیم<sup>(ع)</sup> از پیروان نوح<sup>(ع)</sup>؛ «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ» (صافات: ۸۳) و بقیه انبیاء از نسل ابراهیم<sup>(ع)</sup> هستند، به برنامه یکسان و سلسله‌وار انبیاء اشاره می‌شود تا نبی مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> احساس تنهایی نکند. نتیجه دیگری که بدان تصریح شده تعمیمی است که میان پیامبران و اقوام آنها صورت گرفته است. همه پیامبران برای دعوت قوم خود به توحید از نشانه‌ها (آیات) استفاده می‌کردند. این تعمیم، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر پیامبر و مؤمنان و نیز قریش می‌گذارد، زیرا به پیامبر این اعتماد را می‌دهد تا هیچ‌گاه ناامید نشود و خللی به اراده و توان خود راه ندهد.

۲. نکته دیگر این مرحله در راستای اعلام حمایت خداوند از انبیای الهی و مؤمنان، این است که طی برخی آیات این مرحله خداوند از یکایک رسولان خود نام می‌برد و نحوه نجات دادن آنها را بیان می‌کند. اشارات متعدد و پراکنده‌ای به مفهوم «نجات مؤمنان» اختصاص دارد (اسماعیلی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۴۶). در طول سوره انبیاء شش بار عبارت «نجات داده‌ایم» تکرار شده است و گاه با افعال دیگری چون کشف ضُرّ (انبیاء: ۸۴)، حفظ (انبیاء: ۸۲) و نصرت (انبیاء: ۷۷) متذکر این مطلب می‌شود. بت‌شکنی ابراهیم و نجات او از آتش (انبیاء: ۵۱-۷۰)، نجات لوط از قومش (انبیاء: ۷۱ و ۷۴)، نجات نوح (انبیاء: ۷۶)، برطرف کردن ناراحتی‌های ایوب (انبیاء: ۸۴)، نجات یونس از غصه (انبیاء: ۸۷)، نجات زکریا از تنهایی (انبیاء: ۹۰) و طرح مسئله حمایت الهی از مؤمنان می‌تواند بیانگر ناامیدی پیامبر از ایمان قریش در پایان عصر نزول آیات مکی باشد.

۳. طرح ماجرای اصحاب کهف در این دوره و بیان استقامت ایشان و پایداری در توحیدگرایی نیز حکایت دیگری از حمایت خداوند از کسانی است که رو به پرستش خداوند آورده‌اند.

۴. همچنین در این دوره، از موهبات خداوند به انبیاء پیش از دوره‌های گذشته سخن به میان آمده است تا باز هم نگاه حمایتی خداوند بر رسول مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> هویدا شود؛ فضیلت و برتری معنوی و مادی داود<sup>(ع)</sup> (سبأ: ۱۰)، «هدایت» و «رحمت»، «فرقان»، «ضیاء» و «ذکر» برای موسی<sup>(ع)</sup> (انعام: ۱۵۴؛ انبیاء: ۴۶؛ غافر: ۵۳) حکمت و علم برای لوط (انبیاء: ۷۴) فرزندان و امدادهای مادی برای نوح<sup>(ع)</sup> (نوح: ۱۲).

۵. بیشترین رشد گزارش‌های تاریخی در مرحله سوم به اخبار مربوط به حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> تعلق دارد. در این مرحله و در ادامه نزول آیات مربوط به حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup>، ایشان منتسب به شیعیان «نوح» معرفی می‌شوند (صافات: ۸۳) و این به معنی استمرار روش نوح<sup>(ع)</sup> در توحید و عدل و تبعیت از حق به دست توانمند حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۰۱). شاید یکی از اهداف استعمال لفظ شیعه در این آیه تشویق مسلمانان به تشکیل جمعیت توحیدمدار و پرهیز از فردگرایی باشد و اشاره به اصلاح ملت ابراهیم در آیه‌های بعدی این نظریه را تقویت می‌کند. همچنین در این دوره سوره‌ای کامل به نام ابراهیم<sup>(ع)</sup> نازل می‌شود و با اختصاص این سوره با نام و موضوعیت ایشان، وی در اذهان عموم مردم به شخصیتی شناخته‌شده تبدیل می‌شود. همچنین به‌طور مفصل داستان نمایش ملکوت بر ابراهیم<sup>(ع)</sup> و رسیدن او به مقام یقین بیان می‌شود (انعام:

۷۵) و به مقام ترفیع، اجتناب و هدایت ایشان متعرض شده است (انعام: ۸۷). رسیدن ابراهیم<sup>(ع)</sup> به مقام «رشد» و «فتوت» در همین دوره مطرح می‌شود (انبیاء: ۵۲ و ۶۰). کلمه «رشد» به معنای راهیابی و ثبات در حق و رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر و وسط طریق است (راغب، ۱۴۱۲ ق؛ فضل الله، ۱۴۱ ق، ج ۵، ص ۴۳) و رشد منسوب به ابراهیم<sup>(ع)</sup> رشدی است که شایسته امثال او و دارای موقعیت ویژه‌ای است. بعضی گفته‌اند مراد از رشد دلائل توحید، و برخی گفته‌اند مراد نبوت است (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۷) و همین رشد و کشف حقیقت بر ابراهیم<sup>(ع)</sup> عاملی شده که عملاً وارد مبارزه شده و اقدام به بت‌شکنی کند و از موضع برتر آزر و قوم خویش را نکوهش کند. و این جایگاه برتری را می‌توان در جمله‌هایی نظیر «ما هذِهِ التَّمَاثِیلُ» (انبیاء، ۵۲)، «لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انبیاء، ۵۴)، «تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ» (انبیاء، ۵۷) «أَفُ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (انبیاء، ۶۷) به وضوح مشاهده کرد. در این آیات ضمن تحسین بت‌شکنی به احتجاج روی آورده و با اتهام قرار دادن بت بزرگ ناتوانی و عجز بت‌ها را به صورت عینی به نمایش می‌گذارد (انبیاء، ۶۶).

همین جایگاه رشادت به او فرصتی داده که در محاجه با آزر به اقتضای وظیفه نبوت، آزر را مورد انتقاد و اعتراض قرار داده و مسیر خود را از او جدا کرده و گمراهی او را با صراحت به وی گوشزد کند (انعام: ۷۴) و اگر ابراهیم<sup>(ع)</sup> در آیات قبلی فقط از کور و کر بودن بت‌های آزر و قومش در احتجاج خود بهره می‌برد، در ادامه نزول جرأت‌ورزی ابراهیم<sup>(ع)</sup> بیشتر شده و قداست معبودان آنان را هدف گرفته و از آنان اعلان برائت می‌کند (زخرف، ۲۶) و مذهب مشرکین را در الوهیت از همه جهاتش رد کرده است (انبیاء، ۵۶). لحن و ادبیات چنین آیاتی با هدف تحکیم قدرت پیامبر<sup>(ص)</sup> در این دوره و ارتقاء جرأت بخشی ایشان در مقابله با کفار و مشرکین بی‌ارتباط نمی‌تواند باشد. شاید بتوان گفت دلیل ذکر فضایل ابراهیم<sup>(ع)</sup> در مرحله دعوت علنی آن است که قریشیان نسب خود را به ابراهیم<sup>(ع)</sup> می‌رسانند و نزول این آیات در راستای ارتقای صمیمیت و همدلی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> با ایشان بوده است. چرا که آنان به پدران و اجدادشان احترام بسیاری می‌گذارند و الگوهای رفتاری خود را از آنها می‌گیرند (انبیاء: ۵۱-۷۳؛ صافات: ۹۹-۱۱۳).

## ۸- روایت پیشینیان در مرحله چهارم (دوره تشکیل و توسعه جامعه اسلامی)

در این دوره دین اسلام به جایگاهی می‌رسد که با هجرت از جایگاه قبلی خود و ورود به عرصه‌ای جدید قدرت عرض اندام داشته و با جبهه‌ای جدید رودررو می‌شود. در این برهه آیاتی از قرآن نازل می‌شود که در صدد است قوانینی را برای انتظام بیشتر این نهاد اجتماعی تدوین و ابلاغ کند تا به مصداق «فَاسْتَوَىٰ عَلٰی سَوْقِهِ» (فتح، ۲۹) به سمت استقلال فکری و نظامی و فرهنگی پیشرو باشد.

دوازده درصد آیات این مرحله که پس از هجرت پیامبر و در فضای مدینه نازل شده‌اند، دربردارنده گزارش‌های تاریخی پیشینیان است. که از سوره بقره شروع شده و تا سوره صف ادامه

دارند.

در این دوره آیات اجتماعی با نظر به مؤلفه‌هایی که از آن صحبت شد، رشد چشمگیری نسبت به آیات مکی داشته و موضوعات اخلاقی، عبادی، اقتصادی آماری متفاوت از دوره‌های قبل دارند. با این وجود، نسبت فراوانی روایات گذشتگان نسبت به قبل کاهش داشته است. شاید بتوان چنین تحلیل کرد که آیات تاریخی در زمینه آماده‌سازی جامعه تا قبل از تشکیل جامعه مدنی و حکومت دینی کارکرد بیشتری نسبت به بعد خود دارند و در این دوره برای مواردی مثل تذکر اشتباهات بنی‌اسرائیل و توبیخ آنان و عبرت‌آموزی مسلمین به کمک می‌آید:

۱. بخش عظیمی از سوره بقره به گفت‌وگوی قرآن با یهود تعلق دارد، زیرا بیشترین رویارویی یهودیان شمال حجاز و یثرب با دین اسلام در مدینه در اوایل عصر مدنی بود (اسماعیلی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۴۸) و اختصاص یافتن این حجم از داده‌ها با هدف نکوهش و توبیخ و برخورد با خودبرتربینی اهل کتاب در نخستین سوره مدنی طبیعی به نظر می‌رسد. به همین مناسبت، مروری گذرا بر حوادثی که بر بنی‌اسرائیل رفته صورت می‌گیرد که عمده آنها به تفصیل در مرحله مکی بیان شده بود. در صحنه‌های ارائه شده از سوی قرآن نسبت به یهود، مسائلی چون نعمتهای اعطایی خداوند به بنی‌اسرائیل (بقره: ۴۰ و ۱۲۲)، رفتارهای نادرست بنی‌اسرائیل از جمله ایمان نیاوردن به نشانه‌های خدا، کشتن پیامبران (بقره: ۶۱)، عهدشکنی مکرر (بقره: ۱۰۰)، پیروی از شیاطین در ملک سلیمان (بقره: ۱۰۲) و خشم گرفتن خداوند بر آنها (آل عمران: ۱۱۲) گوشزد می‌گردد.

۲. شاید بتوان گفت با عنایت به جنگ‌های بین مسلمین و معاندین در دوره مدنی، در ابتدای این دوره با نقل داستان طالوت، جالوت و داود<sup>(ع)</sup> مقدمات ذهنی مسلمین برای جهاد و مقابله با دشمنان و ضرورت پیروی از قواعد جنگی و ولایت‌مداری به‌صورت ضمنی تبیین می‌شود (بقره: ۱۴۴-۱۴۰)

۳. موضوع جهان‌بینی توحیدی نسبت به دو دوره قبلی افزایش یافته است. بخشی از این آیات ناظر به یهودیان و مسیحیان و اصلاح نگرش‌های اعتقادی آنان در رد تثلیث و به صلیب کشیدن مسیح<sup>(ع)</sup> در قالب داستان پیشینیان است (مائده: ۱۱۰-۱۱۷؛ نساء: ۱۷۱؛ مائده: ۱۷؛ نساء: ۱۵۷). یکی دیگر از موضوعات مهم آیات ابتدایی نازل در مدینه طرح مسئله جان‌نشینی و امامت است که به آیه ابتلاء مشهور است (بقره: ۱۲۴). این آیه نقل آزمایش ابراهیم<sup>(ع)</sup> با کلمات است. به گفته‌ای، مقصود از کلمات، فرائض و شرایط و سنت‌هایی بوده که ابراهیم<sup>(ع)</sup> وظیفه داشته آن را به قوم خویش ابلاغ کند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۱۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۱۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۲۳۸). در این دسته از آیات به مقام پاکی و اصطفای ابراهیم<sup>(ع)</sup> که منجر به احراز شایستگی امامت و پیامبری ایشان شده اشاره می‌شود و در سوره‌های بعد تأکید به حنیف، خلیل و اسوه بودن مقام ایشان دارد. همچنین در این مرحله، پس از اعطای مقام امامت ابراهیم<sup>(ع)</sup> به مأموریت او در راستای احیای بنای کعبه و تطهیر کعبه اشاره می‌شود. در واقع «مکه» به واسطه دعای ابراهیم<sup>(ع)</sup> احترام یافته و پیش از آن مانند شهرهای دیگر بوده است. دلیل آن روایتی است از رسول اکرم<sup>(ص)</sup> که فرمودند: «أَنَّ إِبْرَاهِيمَ حَرَّمَ مَكَّةَ، وَ إِنِّي حَرَّمْتُ الْمَدِينَةَ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص

۳۸۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۲۵). این آیات به همراه معرفی ابراهیم<sup>(ع)</sup> به عنوان الگویی نیکو از سوی قرآن (ممتحنه: ۴) در منش برائت جویی و شک‌ناپذیری، با نگاهی به برجستگی‌های زندگی توحیدی او نظیر نشان دادن ملکوت آسمانها به وی، عدم پرستش بتها و اجرام آسمانی، بت‌شکنی و احتجاج با بت‌پرستان و تسلیم کامل او در برابر فرمانهای الهی (سادات فخر، ج ۳، ص ۳۲۵) بر مقام عصمت و شایسته‌سالاری در فرمانروایی و مدیریت امور مسلمین تصریح می‌کند و ذهنیت مخاطب را در این‌که این مرحله از نزول قرآن به تشکیل جامعه اسلامی مربوط است، آماده‌تر می‌کند.

موضوع دیگر این دوره، بهره‌گیری از عنصر داستان در تبیین بهتر فروع دین است که در داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> مشهود است. آن چه از تعالیم و حیانی بر ایشان و انتشار آن در بین قوم خود تا این بخش از نزول بوده صرفاً مبانی اعتقادی و خدا محوری و اثبات معاد بوده و وقتی به آیات سوره نساء و حدید و حج می‌رسد از او در زمره رسولان مبشر و منذری که مأموریت تشریح فروع دین همچون نماز و زکات به آن‌ها واصل شده نام برده می‌شود (نساء: ۱۶۵-۱۶۲) و این تشریح دین از راه ارسال رسل و انزال کتاب و میزان در راستای اجرای قسط و عدالت و خو گرفتگی آنان بیان می‌شود و نیز به این وسیله و با انزال حدید امتحان شوند، و برایشان معلوم شود که چه کسی خدای نادیده را یاری می‌کند، و چه کسی از یاری او مضایقه می‌نماید (حدید: ۲۵) و در ادامه تشریح فروع دین پس از اقامه نماز و زکات به ترتیب از برپایی حج (حج: ۲۷-۲۶)، امر به معروف و نهی از منکر (حج: ۴۳)، جهاد فی سبیل الله (حج: ۷۸) به همت و مأموریت ابراهیم<sup>(ع)</sup> اشاره می‌شود.

### ۹- روایت پیشینیان در مرحله پنجم (دوره تثبیت دین)

آخرین دوره از مأموریت و حیانی پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> به دو سوره مائده و توبه اختصاص دارد. در این دو سوره در راستای استواری ایمان و تثبیت و ارزیابی آموزه‌های قبلی و دوری از نفاق درباره میثاق و تعهدات مؤمنان به خدا و رسول الله<sup>(ص)</sup> و آماده‌سازی جامعه برای دوران پس از نزول، نازل شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۴۹۸-۴۹۱) در سوره مائده با تعیین آخرین حلقه نیاز آن‌ها از جانب وحی و مبارزه با عوامل آسیب‌زای باقی ماندن جامعه مؤمنان، به‌طور کلی از توجه اکید به مؤمنان در ضرورت رعایت وفای به عهد در این شرایط و تهدید شدید پیمان‌شکنان سخن می‌گوید و سوره توبه با نمایش اقتدار کامل مسلمانان بر مشرکان، پس از فتح مکه (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۳۱۵) به برخورد شدیدی که پیامبر<sup>(ص)</sup> و مؤمنان باید با پیمان‌شکنان در هر لباس و گروهی داشته باشند، توجه می‌شود. مهم‌ترین موضوعات اجتماعی که در این دو سوره عنوان می‌شود عبارتند از: دعوت مؤمنان به وفای عهد با اعلام اکمال دین و اتمام نعمت بر آن‌ها (مائده: ۱۱-۱)، هشدار به مؤمنان درباره ولایت‌پذیری از اهل کتاب (مائده: ۸۷-۵۱) اعلان پایان معاهده‌های صلح (توبه: ۲۸-۱)، نبرد با اهل کتاب تا رفع فتنه (توبه: ۳۵-۲۹)، بررسی و نقد عملکرد پیمان‌شکنان (توبه: ۱۰۶-۴۱).

عمده گزارش‌های تاریخی این دوره به تحذیر از معاندین، پیمان‌شکنان بنی اسرائیل و غالیان یهود و نصاری و رد ولایت‌پذیری آنان؛ به‌عنوان بدترین دشمنان دین خدا اختصاص دارد. این تحذیر

از سویی در این دوره خطر معاندین همیشگی اسلام را گوشزد می‌کند و از سویی با قرار گرفتن آیه ولایت (مائده: ۵۵) و اكمال دین (مائده: ۳) در این دوره، تأکید بر انتصاب و انتخاب الهی بحث ولایت و جانشینی پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌شود. چرا که فقط خداوند باید مسیر ابلاغ حقیقت رسالت و اكمال دین و اتمام نعمت را در آخرین روزهای نزول قرآن مشخص کند و بیعت مسلمانان بر خلاف نظر او هیچ جایگاهی ندارد.

یکی از نکات قابل توجه در گزارش‌های تاریخی این دوره مبحث برائت از دشمنان دین است که در مورد نافرمانان بنی اسرائیل «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (مائده: ۷۸) و غالبان عزیز و مسیح در خدا خواندن ایشان به دلیل ترک نهی از منکر و دوستی با کافران «فَاتَّهَمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤْفِكُونَ» (توبه: ۳۰) و همچنین تبری ابراهیم<sup>(ع)</sup> از آزر «فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» (توبه: ۱۱۴) مشهود است. به نظر می‌رسد وجود این آیات در این دوره حاکی از قدرت و بلوغ حکومت اسلامی است که مفاهیم قهری خود را در قالب داستان به مخاطب عرضه می‌کند.

## ۱۰- نتیجه‌گیری

مطالعه قرآن و حوادث آن و نگاه به الفاظ و مفاهیم بر مبنای چینش ترتیب نزول قرآن کریم ضروری است و عدم توجه به این مطلب می‌تواند به نتایج ناقصی از فهم منتج شود. بر مبنای ترتیب نزول قرآن و با استناد به آیه ۲۹ سوره فتح، دوره‌های نزول پنجگانه‌ای برای نزول تقسیم‌بندی می‌شود.

نوع رجوع قرآن به سرگذشت تاریخی امت‌ها و برنامه‌های توحیدی و تبلیغی پیامبران گذشته متناسب با رشد اجتماعی جامعه عصر نزول بوده است. به نحوی که این نوع تلمیح و گزارش تدریجی از حوادث تاریخی آموزه‌ای تربیتی برای پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و نوع برخورد ایشان با جامعه عصر نزول بوده است. در این پژوهش گوشه‌هایی از تدریج رفتارشناسی قصص قرآنی به شرح ذیل منتج شد:

مؤلفه‌های تاثیرگذار در تحول اجتماعی عبارتند از: (۱) جهان‌بینی (۲) مفاهیم اخلاقی (۳) احکام و قوانین (۴) مفاهیم اقتصادی (۵) توصیه‌های عملی (۶) انگیزه‌های روانی (۷) روایت پیشینیان که این مؤلفه در پنج دوره نزول قرآن به ترتیب به نسبت ۱۱٪، ۴۸٪، ۲۳٪، ۱۲٪ و ۱۶٪ در آیات هر دوره حضور داشته و نقش مؤثری در هدف هر دوره ایفا می‌کند:

۱. به نظر می‌رسد موضوع داستان‌های تاریخی در دوره اول اولاً محدود به اقوام پیرامون حجاز بوده و ثانیاً هم‌راستا با هدف و برنامه رشد پنهانی اسلام، در مسیر دلگرمی پیامبر<sup>(ص)</sup> و بیان تکراری بودن تکذیب انبیاء در مکاتب گذشته می‌باشد تا مبدا بی‌توجهی مشرکین پیامبر<sup>(ص)</sup> را از مسیر خود ناامید کند.

۲. دوره دوم نزول قرآن زمان آن رسیده که نهال اسلام ریشه دوانده و پا بگیرد. بیشترین نمود مؤلفه قصص قرآنی در همین مرحله با استناد به تقسیم‌بندی آیه ۲۹ سوره فتح نقش موازرتی و

معاذتی در راستای هدف استحکام دین را داشته است.

۳. در دوره سوم با شروع حضور علنی پیامبر<sup>(ص)</sup> در جامعه‌ای که هنوز اکثریت آن مشرک هستند، شاهد نگاه ویژه حمایتی خداوند با نقل داستان‌هایی در راستای اقتدارآفرینی انبیاء هستیم تا مبانی توحیدی در جامعه با جسارت بیشتر به سمت تشکیل جامعه مدنی پیش برود.

۴. در دوره چهارم همه مؤلفه‌های تأثیرگذار تحول اجتماعی حضور برجسته‌ای پیدا می‌کنند. عنصر داستان در این مرحله همچون سایر مؤلفه‌ها در تبیین بهتر فروع دین و تشویق مسلمین به جهاد نقش ویژه‌ای ایفا کرده است.

۵. آیات نازل‌ه دوره آخر نزول قرآن در راستای استواری ایمان و تثبیت و ارزیابی آموزه‌های قبلی و دوری از نفاق درباره میثاق و تعهدات مؤمنان به خدا و رسول الله<sup>(ص)</sup> و آماده‌سازی جامعه برای دوران پس از نزول می‌باشد. قصص قرآنی در این مرحله سعی در آماده‌سازی جامعه برای دوران پس از رسالت و جلوگیری از انحراف دارد.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه انصاریان، حسین؛ قم، اسوه، ۱۳۸۳ ق.
- ابن سلّم هروی، قاسم، النسب، به کوشش مریم محمد خیر الدرع، بیروت: دارالفکر ۱۴۱۰ ق.
- ابن حزم، ابومحمد، جمهرة انساب العرب، به کوشش لجنة من العلماء، بیروت: دارالکتب العلمیة: ۱۴۱۸ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهشهای رضوی؛ ۱۴۰۸ ق.
- اخلاقی، محمدحسن و الویری، محسن، «سازوکار تغییر اجتماعی از دیدگاه قرآن با تکیه بر سیر نزول»، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، (۱۴۰۰). سال نهم. ش ۳. ص ۸۲-۴۷.
- اسماعیلی، مهران، «تاریخ»، دایرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲.
- آل غازی، عبدالقادر؛ بیان المعانی، چاپ اول، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ ق.
- امین، نصرت بیگم، بی تا. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. بی جا
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر ۱۴۱۷ ق.
- بلاغی، صدرالدین، قصص قرآن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- بهجت پور، عبدالکریم، شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم، قم، موسسه تمهید، ۱۳۹۴ ش.
- بیات، فرزانه و جلالی، مهدی و اسماعیلی زاده، عباس، «تناسب آیه امامت حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> در سوره بقره با فضای نزول سوره»، مجله پژوهش های قرآنی، ش ۸۴، ۱۳۹۹ ش.
- چهری، مجید؛ اقبالی، مسعود، «غرض شناسی تطبیقی داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> در سوره های مکی همگام با نزول»، مجله مطالعات قرآن و حدیث، ش ۳۱، ۱۴۰۱ ش
- داوری چلباقی، احد؛ باکویی، مهدی، «شاخص های اقتصادی نیروهای مؤمن و انقلابی از دیدگاه قرآن کریم». «مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی» ۱۳۹۸، سال ۷. ش ۱۴. ص ۳۱۱-۲۷۹
- دروزه، محمد عزه؛ التفسیر الحدیث؛ چاپ دوم؛ بیروت: دار الغرب اسلامی، ۱۴۲۱ ق
- دشتی، سید حبیب، «تفسیر/ تفسیر ترتیبی»، دایره المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.
- دیاری، محمدتقی، ۱۳۷۹، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، تهران: سهروردی، ۱۳۷۹ ش.
- دیانت، محسن و فرهادی، محمد و عباسی قادی، مجتبی، بررسی رابطه بین شاخص های اقتصادی و گرایش به اسلام افراطی در آسیای مرکزی، «مطالعات اوراسیای مرکزی» ۱۳۹۷، دوره ۱۱. ش ۱. ص ۱۰۱-۱۲۱.
- دینوری، ابن داود، الاخبار الطوال، به کوشش عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
- رضانژاد، غلامحسین، تمهید المبانی یا تفسیر کبیر بر سوره سبع المثانی، تهران: الزهراء (س) ۱۳۸۳.
- رویترز، جورج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
- زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.

- سادات فخر، سید محسن، «اسوه». دایرة المعارف قرآن کریم. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر، اربد، دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۲ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- علی‌شاه، سلطان و محمد بن حیدر، بیان السعادة فی مقامات العبادة، لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
- فخر رازی، محمد، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت دارالملک، ۱۴۱۹ ق.
- لیثی واسطی. علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحديث، ۱۳۷۶.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، به کوشش اسعد داغر، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.
- مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (۲): جهان بینی توحیدی. تهران: صدرا، ۱۳۸۲.
- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۰ ق.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۹۰۳ م.
- یزدانی، جمال، جهان بینی اسلامی از دیدگاه شهید مطهری و چگونگی تأثیر آن بر فرد و اجتماع پایان نامه تخصصی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>، ۱۳۸۸.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

